

دریاچه

تاثیر گذار ترین فیلم‌های سال ۲۰۱۱

جدایی نادر از سیمین

در کنار فیلم هایی از بزرگان جهان
تاثیر گذارترین فیلم‌های فستیوال‌های جهانی در سال ۲۰۱۱ اعلام شد که در بین آنها فیلم «جدایی نادر از سیمین» به‌همراه فیلم «پسری با یک دوچرخه» ساخته برادان داردن، «روزی روزگاری از آناتولی» از ترکیه، «ها یک پاپ داریم» از نانی مورتی، «فلوئست» ساخته الکساندر سوکوروف از روسیه و فیلم «هنرمند» از فرانسه ساخته میشل هازانوآکیویس به‌عنوان تاثیر گذارترین فیلم‌های فستیوال‌های جهانی در سال ۲۰۱۱ معرفی شدند. هزاران فیلم در جشنواره‌های مختلف دنیا از کن، برلین و ونیز تا جشنواره‌های یوسنان، قاهره و هند اکران شدند، اما شاید به تعداد انگشتان دو دست بتوان از فیلم‌های

تاثیر گذار و موردپسند مخاطبان نام برد. هر چند درنهایت جذاب‌ترین انتخاب همان اسکار خواهد بود که بسیاری چشم به راه آن هستند. فیلم «روزی روزگاری در آناتولی» از ترکیه ساخته «وری بیلگه جیلان»، یکی از فیلم‌های تاثیر گذار در جشنواره‌های جهانی بوده است. این فیلم که در جشنواره کن اکران جهانی شد و جایزه بزرگ هیات داوران را کسب کرد، نماینده سینمای ترکیه در جوایز اسکار است که در رقابت با «درخت زندگی» ترنس مالیک نخل طلا را به وی واگذار کرد. فیلم «ها یک پاپ داریم» ساخته نانی مورتی از ایتالیا دیگر فیلم تحسین‌شده در جشنواره‌های فیلم در سال گذشته بوده است. این فیلم در جشنواره کن نامزد نخل طلا بود و جوایز دیوید دوتاتلو (معادل جوایز گلدن گلوب آمریکا) جایزه بهترین فیلم را کسب کرد. «مورتی» با این فیلم برای پنجمین‌بار در بخش رقابتی جشنواره کن حضور داشت. ساخت این فیلم کمدی در مدت ۱۵ هفته در رم و فلورانس با بودجه ۱۲ میلیون دلاری ساخته شده است و در فستیوال‌های منسکو، بوسان، کارلووی واری، وایادولید، ساتوپاولو به روی پرده رفته است. فیلم «جدایی نادر از سیمین» از ایران ساخته اصغر فرهادی در فهرست آثار برجسته جشنواره‌های جهانی فیلم در سال گذشته میلادی به چشم می‌خورد. این فیلم که برنده جایزه خرس طلا و خرس نقره‌ای بهترین بازیگری از جشنواره برلین است از ۲۰ دسامبر (۹ دی) در سینماهای آمریکا به نمایش درخواهد آمد. فیلم «فلوئست» ساخته الکساندر سوکوروف از روسیه که در جشنواره ونیز موفق به دریافت جایزه شیر طلا شد در سال جاری میلادی نگاه‌های منتقدان فیلم و تماشاگران سینما را به خود جلب کرد. این فیلم چهارمین و آخرین قسمت از سری فیلم‌های موضوعی «سوکوروف» درباره تأثیرات مخرب و منفی قدرت سیاستمداران است. این فیلم یک اثر اقتباسی است که فضای سردی دارد و عمدتاً بر مونولوگ‌های شخصیت اصلی استوار است.

ادامه از صفحه ۱۲

هنر مدرن بی‌معنا شده است

■ **شامی گوید**این اشتیاق برای هنرهای کاربردی در نسل جوان هوس است؟

دقیقا اگر بتوانید هر یک از این هنرها را با تعاریف هنر مدرن به جوانان نشان بدهیم که طعم و بوی تاریخی را در آن ببینند معلوم است که به سمت آن می‌روند.

■ مساله این است که چگونه می‌شود این کاربردها را روززی کرد؟

این مساله هر هنرمندی است که دوست داشته باشد چنین کاری کند. فرمول خاصی ندارد. ماجرا این است که مردمان بتوانند این نوع کاشی‌ها را ببینند و بخزند. وقتی این‌طور شد، می‌توانیم بفهمیم چقدر مردم خواستار این نوع کارها هستند. اینجاست که وقتی طراحی نمد عوض شد، اهل هنر و ثروتمندان شهر برای داشتن نمدهای من سرودست می‌شکستند و با قیمتی بیشتر از فرش می‌خریدند. پس این نیاز وجود دارد. منتها این کاربردی‌ها در اختیار مردم نیست. من فکر می‌کنم بخش زیادی از مسوولیت بدسلیقگی ملت ایران واردکننده‌های جنسی هستند. زاین کشور پیشرفته‌ای است اما عمق وسیعی از سلیقه سنت سرمایه‌ک دارد. هویت تاریخی را می‌شود در این ظرف‌ها‌ید درحالی که کبی گذشته نیستند. همچنان که هنر مدرن بی‌هویت نیست و می‌توانید ریشه‌های گذشته را در کار هنرمندان مطرح مدرن ببینید درحالی که اینجا هنر مدرن بی‌معنا شده است. هر چیزی را که نمی‌دانیم چیست، مدرن می‌گوییم.

■ چند سالی است که نمونه‌هایی از بازگشت به هنرهای ایرانی در آثار هنرمندان دیده می‌شود. مثلا نقاشی‌خط‌هایی به برگرفته از خوشنویسی هستند، هر چند این آثار هم بیشتر در خارج از کشور عرضه می‌شوند تا بازار داخلی. چرا؟

اگر ماجرای قیمت فروش آثار در بازارهای خارجی را کنار بگذاریم، خود علاقه‌مندی متأسفانه وجود دارد.

علاقه به چه چیزی؟

خط. اصولا از نظر من خط جزو هنرها نیست. خط ضرورتی است که می‌خواهیم یک متن یا گفته را بنویسیم تا دیگری بخواند. اما خیلی از این خط‌هایی که ما می‌بینیم اصلا خوانا نیست. اینها سیاه‌مشق‌هایی هستند که فقط ادای میرعاد و صفویه را درمی‌آورند. میرعاد خط‌ها را با هم ترکیب کرد و نستعلیق باشکوه را ساخت. او به یک ضرورت سلیقه‌ما پاسخ داد. الآن ادای او را درمی‌آورند. در مهندسی الفبای ایران هیچ چیز تازه‌ای نمی‌بینید. در زبان انگلیسی وقتی یک‌نوشته را می‌بینید، می‌توانید از راه رنگ و فرم بفهمید واژه صنعتی، هنری یا تجاری است. بدون اینکه نمایش را بدانی.



علی فرامرزی

نقاش و مدرس هنر

«بهم‌درصد، دودهم درصد، یک‌دهم درصد و حالا نصف یک دهم درصد از بودجه عمرانی.» چندسالی است که این عبارات، ترجیع‌بند سخنان مسوولان وزارت ارشاد در بخش تجسمی شده است! موضوع خرید آثار هنری توسط مسوولان دولتی و از گان‌های شمول بودجه از جمله مطالبی است که هر چندوقت یک‌بار عنوان می‌شود و امیدی را به بخشی از جامعه تجسمی تزریق می‌کند و سپس فرو می‌نشیند، اگرچه تاکنون مقداری خرید هم از این طریق صورت گرفته است؛ ولی هیچ‌یک نه در حد و اندازهای پیش‌بینی شده بوده و نه توانسته امید هنرمندان را تحقق بخشد.

این موضوع آنقدر تکراری شده که هر‌گاه در بخش هنری وزارت ارشاد تغییر و تحولی صورت می‌گیرد، جزو اولین وعده‌های مسوول جدید، تحقق بودجه خرید مراکز شرق؛ وقتی در سال ۱۳۴۸ کلنگ تئاترشهر به‌عنوان مرکز تئاتر حرفه‌ای تهران به زمین خورد، خیلی از اهالی تئاتر خوشحال بودند که اولین قدم برای گسترش تئاتر حرفه‌ای درآشته شد. اما ساخت سالن‌های تئاتر در اولین قدم ماند و در مدت ۴۰ سال۰ که از افتتاح استوانه تئاتر کشور گذشته؛ آمار سالن‌های تئاتر حرفه‌ای پایتخت ۱۷ میلیونی از انگشتان یک دست که تجاوز نکرده، هیچ هر چه هم اضافه شده- به جز تماشاخانه ایرانشهر- به بدنه سالن‌های موجود بوده است و تئاتر در محدوده چهارراه ولی‌عصر و چهارراه کالج تقریبا مانده است. این محدود ماندن سالن‌های تئاتر در عمل بوده و شامل حرف و وعده‌هایی نبود که در طول این چند سال بارها از قبل مسوولان دولتی شنیده شده است. یکی از مشهورترین وعده‌ها ساخت تئاترشهر ۲ بوده که حداقل در دوران چهار شهردار قبلی تهران و همین شهردار کنونی بارها به آن پرداخته شده است و مکان‌های مختلفی از خواران تا عباس‌آباد و تکه زمین بی‌استفاده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در مقابل صدا و سیما در نظر گرفته شده است. سالن دیگر هم سالن تئاتر آیینی- سنتی است که از هفت سال پیش در یکی از زمین‌هایی که برای تئاترشهر ۲ در نظر گرفته شده در حال ساخته شدن است. اینکه چه کسی باید متولی ساخت سالن‌های تئاتری باشد هم از آن بحث‌هایی است که تکراری شده و معلوم نیست وظیفه شهرداری‌ها را برای ساخت فضاهای فرهنگی‌نهادی دولتی دیگر هم می‌توانند برعهده بگیرند یا خیر؟ البته در چند سال گذشته شهرداری تهران بارها راه‌اندازی چندین سالن تئاتر در مناطق مختلف از جمله تپه‌های عباس‌آباد خیر داده است. سوم خرداد سال ۸۹ نیز مجموعه هفت سالن تئاتر و موسیقی در باغ دفاع مقدس افتتاح شد که به نظر نمی‌رسد برای اجرای

ادب‌و‌هنر

واکنش بنجم

ماجرای دنباله‌دار خرید آثار هنری از هنرمندان

معادله دومجهولی بودجه یک‌دهم درصد

دولتی است و اخیرا تبدیل کلمه «باید» به «می‌تواند» در آن تبصره شده است. آن‌گونه که گفته شده در سال جاری پس از پیگیری مسوولان وزارت ارشاد در مجلس و حسن برخورد کمیسئون فرهنگی با آن بالاخره کلمه «می‌تواند» جای خود را به کلمه الزام‌آور «باید» داد و قولی را که آقای حداد‌عادل شش‌سال پیش در جلسه تالار وحدت داده بود، محقق کرد. این امر، مراکز دولتی را که از بودجه مملکتی استفاده می‌برند، ملزم به خرید آثار هنری کرده است. شکی نیست حال که قانون گذار مساله را الزام‌آور کرده، به میزانی که جامعه تجسمی از خود مشارکت فعال نشان دهد، می‌تواند از آن بهره‌مند شود و در این بین از نقش و وظیفه انجمن‌های هنری نباید غافل بود؛ چرا که مشارکت در امور صنفی هنرمندان جزو مواردی

وقتی سالنی ساخته نمی‌شود

بارهای اضافی برای اجرای تئاتر بیشتر

کارگاه دکور و پارکینگی

که سالن شدند

این اتفاق در مورد تالار وحدت به‌گونه‌ای دیگر رخ داد. تالار وحدت با یکی، دو سال فاصله از تئاترشهر راه‌اندازی شده بود و در همان زمان به جز بخش‌های اداری - که بخشی از آن هم در این سال‌ها اضافه شده است- با



دو سالن اصلی و شماره ۲ افتتاح شد. بعدها دو سالن چهارسو و قشقای و در دهه ۷۰ سالن‌های خورشید و سایه و کارگاه نمایش هم راه افتاد. این سالن‌ها بار زیادی را به ساختمان وارد کرد. به طوری که در جریان بازسازی با توجه به صمعه‌هایی که ساخت و سازهای اطراف تئاترشهر به آن وارد کرده بود دو سالن خورشید و شماره ۲ از خارج شد و تئاترشهر با پنج سالن فعالیت می‌کند. این روزها مسوولان تئاترشهر اما از فضای این ساختمان بیشترین استفاده را می‌برند. بیشتر سالن‌ها با دو اجرای متفاوت فعالیت می‌کنند. نکته‌ای که مختص تئاترشهر هم نیست و در تماشاخانه ایرانشهر یامت شده تا گروه‌های تئاتری با فشاری مضاعف فعالیت کنند. اما این تنها راجعل تئاترشهری‌ها نیست. یک مایه است که فضاهای مرده اطراف ساختمان نیز به تئاتر اختصاص داده شده است. وقتی وارد مجموعه می‌شوید باید با سکوت راه خود را پیدا کنید، چون در ایی‌های تئاترشهر و کافه‌ت‌ریا و راهروهای تئاتر در

روبه‌رو شده است.

مشخص نبوده اینکه کدام سازمانی این تقسیم‌بندی را انجام داده است؟!

اما نسوی دیگر قضیه، چیز دیگری است. به نظر می‌آید موضوع تا حد زیادی ذهنی و مبهم باقی مانده؛ چرا که در دو سر این معادله، دو مجهول وجود دارد؛ دو مجهولی که اگر یک‌طرف آن هم تا حدودی معلوم باشد سوی دیگر آن نامشخص است. آیا ما می‌دانیم یک دهم درصد آن تبصره چه عددی را شامل می‌شود و چقدر است؟! وقتی ما نمی‌دانیم مقدار ریالی آن چقدر است، خوشحالی یا نگرانی مان بایست چیست؟

مسلم‌ا مجلس شورای اسلامی از مقدار ریالی آگاهی داشته که درصد آن را این میزان تعیین کرده است. اما آیا بهتر نبود که حدود آن را اعلام می‌کرد تا هم مسوولان وزارت ارشاد و هم جامعه هنری مقدار آن را بدانند؟ با این حال این مرکز هنرهای تجسمی می‌داند چه تعداد عرصه را به دلیل کم بودن رقم جهت خرید آثار به وجود آورده است؛ تا جایی‌که معاونت هنری وزارت ارشاد نیز چندان از این مساله راضی نبوده. چیزی که در آن خیرها

تالارهای فیشرآباد

مجموعه دو تالار تماشاخانه ایرانشهر قدمت چهارساله‌ای دارد. در همین چهارسال خوب توانسته‌اند در میان اهالی تئاتر جای خود را باز کنند و به همه ثابت کنند که اگر فضای مناسبی برای تئاتر باشد، تئاتر می‌تواند از چهارراه ولی‌عصر آن طرف‌تر هم برود. اما همین دو تماشاخانه برای رسیدن به این جایگاه مسیر طولانی را پشت سر گذاشتند. دو سوله بحران در برابر زلزله که به پیشنهاد آنیلا پسپانی قرار بود تبدیل به سالن‌های پیش ساخته تئاتر شود، در گذر از مدیریت‌های مختلف تبدیل به دو سالن دایم برای تئاتر حرفه‌ای شد. با راه‌اندازی این تماشاخانه سالن اسناد انتظامی مجموعه خلسه هنرمندان نیز برای اجرای تئاتر با ظرفیت کمی آماده شد. اما این پایانی بر ساخت و سازهای باغ هنر نبود. چند ماه پیش مدیرعامل خانه هنرمندان خیر از ساخت سومین تالار مجموعه تماشاخانه ایرانشهر داد. ۱۴ مهر بود که قراردادی مابین مجید سرسنگی مدیرعامل خانه هنرمندان ایران و مدیر تماشاخانه ایرانشهر و رضا حداد کارگردان تئاتر و سرمایه‌گذار خصوصی منعقد شد که طی آن قرار شد سالنی متحرک با ظرفیت حدود ۶۰۰ نفر در ضلع شمالی باغ هنرمندان احداث شود. قرار بود این سالن یک سالن متحرک باشد که نیازمند فونداسیون نیست. این نشان از این دارد که تصمیم مدیریت خانه هنرمندان بر این است که این سالن به‌عنوان سومین بخش از تماشاخانه ایرانشهر و بخشی از باغ هنر راه‌اندازی کند. تصمیمی که به نظر می‌رسد ظرفیت باغ هنر و امکانات آن را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. همان‌گونه که اجرای بیش از ۱۰۰ نمایش در تئاترشهر بدون فضای پارکینگ، این مجموعه و همسایگان آن را با مشکل روبه‌رو کرده است.

مهدی هاشمی و سختی بازیگری



شرق: «مهدی هاشمی» در نشست فیلم مصایب چارلی که در ارسباران برگزار شد، گفت: من «چارلی چاپلین» را خیلی دوست دارم چرا که در سینما همواره یک استثنا بود. درباره نقش خود هم «کاراکاز» به علت گویش و وجود زبان کردی خیلی سخت بود.

مرگ کارگردان در مقابل دوربین



اسکرین دپلی: «اسکار مارون‌فلپو»، کارگردان روزنامه‌نگار برزیلی هنگام صحبت با تماشاچیان در نشست مطبوعاتی فیلمش در جشنواره فیلم‌هندبر اثر حمله قلبی جان باخت. او که سال‌ها پیش از این دچار سکنه قلبی شده بود، روز گذشته هنگام صحبت در نشست مطبوعاتی فیلمش در جشنواره فیلم‌هند بر گوا درگذشت.

اعتراض کامکار به صداوسیما

بسیاری از بزرگان موسیقی دنیا آثار سفارشی ساخته و می‌سازند. منتها باید از نظر کیفی اثری ارزشمند، با تکنیک بالا و فاخر ساخته شود. این نمی‌شود که چون فلان ارگان یا سازمان اثری سفارش داده وپودجه زیادی هم دارد آهنگساز دم‌دستی‌ترین اثر ممکن را با کیفیتی بسیار پایین برایش بسازد.» در بخش دیگری از این نشست کیوش صاحب‌نسق نیز به‌عنوان منتقدبرنلمه گفت: «آقای کامکار حتی در آن سال‌های گذشته مسیری را در آهنگسازی طی کرده که نسل ما به‌طور مشخص آغاز آن را با آلبوم «در گلستانه» با صدای شهرام ناظری به یاد می‌آورد. از آن زمان تا به امروز آثار متفاوتی را این اثر را به نام خودشان بخش می‌کنند.» آهنگساز «کجاپیدیای شهیدان خدایی» گفت: «من هرگز امتیاز این اثر را واگذار نکردم؛ ساختم و ضبط کردم که متأسفانه مسوولان صدا و سیما امروز این اثر را به نام خودشان بخش می‌کنند.» آهنگساز «کجاپیدیای شهیدان خدایی» گفت: «من هرگز امتیاز این اثر را واگذار نکردم؛ ساختم و ضبط کردم که متأسفانه مسوولان صدا و سیما امروز این اثر را به نام خودشان بخش می‌کنند. همچنین در قبال تمام سال‌هایی که این اثر بخش شده هرگز حق و حقوقی پرداخت نشده است.» وی به کیی اینترتی می‌گردد. اگر مردم هم به این رویه ادامه دهند دیگر شاهد تولید آثار جدی نباشیم.»

کلبه کوچک من

ااو؟ سلام عزیزم (۹۲)

اردشیر خرم‌نکوب

■ وقتی قرآن می‌گویید: خداوند، بهترین‌ مکرکنندگان است، واژه «خیر» نشان‌دهنده این است که در مکر خدا، هم برتری حتی است و هم خیرخواهی مستمر. این مکر برتر و پر از خیر خدا، کجا و کی و برعلیه چه کسانی و چه مکری وارد عمل می‌شود؟ اگر قرار باشد با هر مکری که زشت‌کاران به کار می‌بندند، مگر خدا به جانبداری از سایر مردم وارد عمل شود، نظام دقیق و سنت‌های حتی حاکم بر جوامع بشری به‌هم می‌ریزد. ورود این‌چنینی مکر الهی به ساخت زندگی بشر، اگر درست‌کاران را ایمنی بخشاید، آنان را از یوپایی و رشد بازمی‌دارد. پس ورود مکر الهی، به هر از گاه حوادث تلخ و هر از گاه توطئه‌های پلید مکران راه می‌برد. من به لحاظ حسنی و معرفتی، دخالت مکر الهی را در امور انسان‌ها، تقریبا معادل دخالت مشیت الهی در امور انسان‌ها می‌دانم. مثلا در داستان اصحاب فیل که در قرآن بدان اشاره شده، به صورت ظاهر، بایستی سپاه مقتدر و مصممی که قصد تخریب خانه خدا را دارد، پیروز شود. چرا که در مقابل او، نه کسی است که مقاومت کند و نه مانعی وجود دارد. این سپاه برشمار و رعبانگیز، در دو قدمی پیروزی حتمی، گرفتار مکر الهی می‌شود. و از یا درمی‌آید. ظهور این مکر از جانب خداوند، یک ظهور مودی است. و نه همیشگی. پیامبران بسیاری را سراغ داریم که با مکر دشمنان خود به قتل رسیدند. پس چرا مکر خداوند در دفاع از آنان وارد عمل نشد؟ چه همین است: مشیت الهی. در آیه پنجم سوره روم آمده است: «بیتصر ما یشاء = خداوند هر کس را بخواهد یساری می‌دهد.» و یا: «ان الله یسیسط الرزق لمن یشاء و یقدر = خداوند روزی هر که را بخواهد گسترده یا تنگ می‌سازد.» معنایی همین دو مورد اگر بخواهد کلیت همگانی پیدا کند، نظام زندگی بشر از اعتماد و اطمینان خارج می‌شود. اگر جرات کنیم و معانی مشیت را بر یک جور پارته‌بازی خدایی ترجمه کنیم، حتما باید بر این نکته تأکید کنیم که «بشاه‌های قرآن، حتما موقوف به لیاقت و استحقاق کسی است که این ایسن پارته‌بازی در مورد او صورت می‌پذیرد. با این توضیح، معنای کلی مشیت الهی این می‌شود: اگر کسی لیاقت و استحقاق داشته باشد، خداوند، خارج از روال سنت‌های جاری خود، به او عنایت و ویژه‌ای خواهد کرد. یا بالعکس: اگر بخواهد، کسی را که مستحق مجازات باشد، خارج از جریان سنت‌های خود، گوشمالی‌اش می‌دهد.

من شخصاً واقعه طلبس را مواجهه مکر الهی با مکر آمریکایی‌ها می‌دانم. در آن بیابان برهوت، آمریکایی‌ها هیچ مانعی در مقابل خود نداشتند، به لحاظ محاسباتی نیز همه چیز دقیق و در مشیت

آنان بود. اما چرا به وزنش یک توفان، همه دانش و تکنولوژی و تخصص و طرح و برنامه‌شان در هم فرو می‌شود و با گذاردن کشته‌ها و ضایعات

بسیار، راه آمده را باز می‌گردند؟ یا در داستان یوسف پیامبر، مکر الهی، به مقابله با مکر برادران یوسف و مکر دیگران می‌پردازد و برخلاف خواست آنان، یوسف تنها و بی‌پناه را برمی‌کشد و بزرگش می‌دارد…

نگاه هنر مند

میلاد کبابی و اعتراض

■ **مهر**میلاد کبابی که در حال حاضر مشغول نوشتن کتاب یک‌صدسال موسیقی ایران است، شیوه تبلیغاتی کنسرت «بر بال سیمرغ» را به دور از اخلاق هنری دانست و گفت: تبلیغات گسترته‌های از طریق تبلیوردهای شهری بر دو دیوار شهر آویخته بودند که البته این تبلیغات هنر موسیقی، امری نیکو است اما آنچه در تبلیغات گروه هنوزاران شدیدا جای تأسف داشت این بود که اسم و عکس محمدرضا لطفی بزرگ‌تر از دیگر هنرمندان گروه دیده می‌شند و متأسفانه اسمی نشده بود که اینچنین برخوردهایی در عرصه هنر به دور از اخلاق است.

خبر آخر

سینماداران و قبض‌های گریه‌آور

■ **ایسنه:** مدتی است سینماداران کشور از قبض‌های گاز خود به‌شدت گلایه دارند و در آخرین واکنش‌ها اعلام کرده‌اند که اگر به واسطه این قبض‌ها مشکلی برای یک سینما ایجاد شود، بقیه سینماها هم سالن‌های خود را تعطیل خواهند کرد. با توجه به رسیدن فصل سرد سال و بالا رفتن رقم قبض‌های گاز، پیش‌بینی می‌شود که طی ماه‌های آتی مشکل سینماداران در این‌زمینه بیش از گذشته شود. اما مجتبی شیخ‌بهبایی، مدیر گارسانی شرکت ملی گاز، در پاسخ به این سوال که آیا شرکت ملی گاز تدبیری برای رضایت بیشتر این صنف اندیشیده است، اظهار کرد: قبض‌های سینماها هم مانند تمام مراکز دیگر براساس تعرفه‌های تعیین‌شده از سوی ستاد هدفمندی یارانه‌ها صادر می‌شود و در این زمینه‌ما تنها مجری هستیم.



فیلم «روز رستاخیز» توسط احمدرضا درویش ساخته می‌شود. این صحنه‌ای از فیلم است که در «دوخسب»، می‌گذرد؛ منظره‌های بین مکّه و کرپنا که اردوگاه امام حسین(ع) در آنجا برافراشته شد. «روز رستاخیز» یکی از پروژهای عظیم سینمایی است که به کارگردانی احمدرضا درویش روند تحقیقات و نگارش فیلمنامه آن از اواسط تولید «دول» در سال ۸۱ آغاز شد. احمدرضا درویش که با ساخت دوئل عنوان سازنده پرهزینه‌ترین فیلم تاریخ سینما را از آن خود کرده است، پس از سه سال، نگارش این فیلمنامه را به پایان رساند.



نگارش تصویر

ناصر عزیزوی موفق به فروش چهار تابلو خود در مدرن الهیه شد که در مجموع فروش حدود ۳۰۰میلیون داشت. او بعد از این نمایشگاه می‌گوید: «با توجه به شرایط اقتصادی استقبال خوبی از نمایشگاه شد و البته با توجه به اینکه اطلاع‌رسانی نمایشگاه چندان گسترده نبود من واقعا از سطح استقبال راضی هستم.»